

## مردم قبول نمی کنند! بیانیه حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

بار دیگر آینده مذاکرات، آینده رابطه ایران و آمریکا، ادامه تحریمها، آینده وضعیت معیشت و زندگی بر سر جامعه ایران سایه افکنده است. یک سال و نیم است روحانی در راس دولت "امید و اعتدال" مردم را در امید به رفع تحریمهای اقتصادی، به رشد تولید و افزایش اشتغال، بهبود معیشت مردم و حل بیکاری، به "گشایش سیاسی و اقتصادی" در انتظار نگاه داشته است. نامعلومی نتیجه دور دوم مذاکرات سوالات جدی را در مقابل آینده وضعیت اقتصادی و معیشت مردم و بویژه طبقه کارگر، که به موفقیت مذاکرات گره زده شده بود، قرار داده است.

هر دو طرف این ماجرا، اوباما و روحانی، به این آشتی نیاز دارند. رسیدن به توافق نقطه اشتراک هیات های حاکمه امروز در ایران و واشنگتن است. توافق نه بر سر توان هسته ای ایران که بر سر مسائل پایه ای تر در منطقه و جایگاه ایران در استراتژی غرب و در راس آن آمریکا در خاورمیانه است. نگرانی و هراس جمهوری اسلامی از عدم موفقیت مذاکرات واقعی است. دولت "امید و اعتدال" در راس جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران بیش از هر زمانی به موفقیت این مذاکرات نیاز دارد. همزمان اما بیشترین استفاده را از عدم موفقیت یا هر دست اندازی در سیر مذاکرات میکند. همانطور که دوره ای از تهدیدات و فضای جنگی برای تحمیل خفقان به مردم استفاده کرد.

تاجائیکه به طبقه کارگر برمیگردد قرار است این مذاکرات بمثابة اهرم تقویت موقعیت جمهوری اسلامی در مقابل کارگران و تعرض بیشتر بر زندگی و معیشت آنان عمل کند. قرار است با تحمیل فقر و تباهی کارگر و برمتن امید به موفقیت دولت "امید و اعتدال" طبقه کارگر و جامعه را به تسلیم و انتظار بکشند و به جای مبارزه مستقل و مستقیم خود چشم به بالایی ها بدوزند. قرار است افق یا بی افقی، امید و ناامیدی جمهوری اسلامی از پیشرفت یا عدم پیشرفت مذاکرات به افق یا بی افقی، به امید یا استیصال مردم تبدیل شود. ... صفحه ۲

تشکیلات گوتبرگ حزب حکمتیست (خط رسمی)

### گوتبرگ جای نمایندگان خلخالی ها نیست!

(در حاشیه جلسه هشتم رئیسی) صفحه ۲

رها شده در شهر اربیل راه افتاده و دست به ضرب و شتم تعدادی از شهروندان عرب زبان زده و چند اتومبیل آنها را شکسته و آتش زده اند. اعمال وحشیانه باندها قومی و ناسیونالیستهای تحریک شده، که زیر سایه تبلیغات رسمی نژادپرستانه دولت اقلیم و روشنفکران ناسیونالیست کرد و احزاب و جریانهای این جنبش، امکان و فرصت تعرض فیزیکی و عربده کشی علیه بخشی از شهروندان این شهر و پناهندگان و فراریان از دست داعش را یافته اند، عملی شنیع و ضد انسانی و نژاد پرستانه است و عمیقاً محکوم است. دولت اقلیم و شخص مسعود بارزانی و پارلمان و بقیه ارگانهای این دولت مسئول مستقیم این اعمال شنیع هستند. ... صفحه ۴

## تحریکات نژادپرستانه حکومت اقلیم کردستان

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست  
(خط رسمی)

ظهر روز چهارشنبه ۱۹ نوامبر ۲۰۱۴ ماشینی بمب گذاری شده در اربیل منفجر شد و در نتیجه این عملیات تروریستی تعدادی پلیس و چند نفر از شهروندان کشته و زخمی شدند. به بهانه این انفجار موجی از تحریکات نژادپرستانه چه رسمی توسط دستگاه امنیتی حکومت اقلیم کردستان (آسایش) و چه توسط شخصیتها و میدیای آنها علیه شهروندان عرب زبان در این منطقه راه افتاده است. در کنار این تحریکات عناصری فریب خورده و چاقو کش و افسار

## "داب" آتش زیر خاکستر بمناسبت هفتمین سالگرد یک سرکوب

فواد عبداللهی

دو هفته دیگر، قریب به هفت سال از سرکوب و هجوم همه جانبه جمهوری اسلامی به تشکل "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب" در ۱۶ آذر ۸۶ می گذرد. هفت سالی که جزو روند سپری شدن معمولی تاریخ ایران نبود. نه جنبش بورژوا لیبرال ایران تحت پرچم سبز، و نه قیل و قال دولت "تدبیر و اعتدال" امروز، هیچکدام پاسخ و آرمان طبقه کارگر و زنان و جبهه آزادیخواهی و برابری طلبی در جامعه نبوده و نمیتوانست باشد. "داب" استثنا نبود، پیروزی این یا آن سازمان و گروه نبود؛ بلکه نخستین جلوه قاعده ای بود که بعد از این تا در هم کوبیده شدن افق سرمایه داری در ایران، یک چشم انداز و پرچم متفاوت را در تاریخ آن جامعه و "گود سیاست" در دانشگاه ها به اهتزاز در آورد؛ پرچم آزادی و برابری! پرچم کمونیسم طبقه ای که منفعتی جز رهایی انسان ندارد. پرچمی که نژاد و زبان و رنگ پوست و قومیت و مذهب و جنسیت را برسمیت نمیشناسد و در مقابل تفرقه و تبعیض و هویت های جعلی و ساختگی می ایستد؛ و همین ویژگی، "داب" را در ابعاد توده ای در دانشگاه ها محبوب کرد.

اعلام حضور علنی "داب" و غلبه افق کمونیستی بر فضای دانشگاه های ایران، بدون تلاش بی دریغ و جانانه طیف وسیعی از سوسیالیست های عملی نبود. کمونیسم ایران بعد از کشتار های دهه ۶۰ اولین بار بود که در بعد اجتماعی به نام خود در جامعه ایران وارد صحنه سیاست میشد و خودی نشان داد. نگاهی به سطح تولید ادبیات و تیراژ نشریات و قلمزنان این تشکل از جمله نشریه "خاک"، گویای یک افق روشن و سمت گیری صریح و علنی سوسیالیستی و ارائه افق و بدیل عملی در مقابل اوضاع آن دوره بود. بی شک "داب" در خیزش و عرض اندام علنی مارکسیسم و در کارزار تئوریک فعالین آن علیه ناسیونالیسم، شرق زدگی، اصلاح طلبی و رفرمیسم، پسامدرنیسم و آپارتاید جنسی سهم برجسته ای ایفا کرد. ... صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

## بیانیه حزب ...

قرار است با انداختن بار وضعیت نابسامان اقتصادی و تعرض وسیع به معیشت میلیونها انسان کارکن به گردن غرب و تحریمهای اقتصادی، خود را از زیر تیغ اعتراض جامعه و طبقه کارگر به فقر و تباهی بیرون بکشند و انگشت اتهام را به طرف دول غربی نشانه روند. قرار است طبقه کارگر را با تبلیغات ملی و ناسیونالیستی با فراخوان "فداکاری" و تن دادن به فقر و فلاکت، به بهانه مبارزه با تحریمهای اقتصادی و رشد "اقتصاد ملی"، این طبقه را ساکت نگه دارند.

جمهوری اسلامی ناتوان از سرکوب عریان، با ژست "اسلام لیبرال و خوش خیم" خود را برای رویارویی های آتی با مردم به تنگ آمده از نابسامانی اقتصادی، از استبداد و خفقان آماده میکند. جلو انداختن اصولگرایان بعنوان جناح لجام گسیخته و هار جمهوری اسلامی و ترساندن جامعه از بازگشت "اصولگرایان"، سازمان دادن تعرض به آزادیهای سیاسی در جامعه از کانال قوانین ارتجاعی و قرون وسطایی، راه انداختن دستجات جیره بگیر و اوباش حزب الهی خود در خیابانها و تعرض به زنان و جوانان همه و همه بخشی از آماده شدن جمهوری اسلامی برای روزی است که طبقه کارگر و مردم به تنگ آمده وارد جنگ خود با جمهوری اسلامی بشوند. اما ماراتن مذاکرات تا امروز مانع اعتراضات کارگری برای بهبود شرایط زندگی، برای بیرون

آمدن از زندگی چند مرتبه زیر خط فقر نشده است. اعتراضاتی که نه برای افت و خیزهای مذاکرات تره خرد میکرد و نه حاضر است در مقابل وعده سر خرمن "گشایش اقتصادی" از حقوق و دستمزد امروز خود بگذرد. مردم با همه نگرانی از ادامه تحریمها و فشارهای سیاسی و اقتصادی کوچکترین فرصت را برای مقابله با استبداد حاکم، برای مقابله با حاکمیت اسلام در همه وجوه زندگی آن، برای آزادیهای سیاسی و فرهنگی از دست نمیدهند. کارگران، زنان، جوانان و مردم معترض ایران سکوت و تمکین و استیصال را قبول نخواهند کرد. اینرا اعتصاب معدنچیان بافق و اعتراضات مردم در اصفهان و تهران و سنج و مشهد نشان داد. امروز همه از خطر طغیانهای اجتماعی در ایران میگویند. همه اعتراف میکنند که مردم علیرغم همه نگرانی ها به استقبال این جدال با جمهوری اسلامی میروند.

مردم! کارگران!

جنگ اینها بر سر سهم و نقش شان در خاورمیانه، جنگ ما نبوده و نیست. جنگ ما با کل این صف بر سر آزادی، رفاه و سعادت است. آینده جدال و سیر مذاکره و آشتی آنان سالها است در جریان است. سالهایی که طی آن اکثریت مردم محرومیت کشیده اند، سرکوب شده و اقلیتی زندگی مرفه و ... خودش را داشته اند. این کشمکش میتواند

ماهها و سالها طول بکشد. برنده این جنگ هر که باشد سهم ما تعرض آشکار به زندگی و معیشت مان، به آزادیهای فردی و سیاسی مان و خفقان بیشتر است. این مذاکرات به نتیجه برسد یا نه تحریمهای اقتصادی جنگی جنایتکارانه علیه بخش اعظم جامعه، علیه طبقه کارگر و محرومان جامعه ایران است و باید فوری و بی قید و شرط پایان یابد. باید صف خود را محکم کرد، باید با زدن دست محکمی به سینه دولت "امید و اعتدال"، به جای چشم دوختن به بالا، نیروی خود را برای جنگ آزادیخواهی علیه جمهوری اسلامی با سپاه و سبز و بنفش آن و با صف مستقل خود آماده کرد. سی سال حاکمیت جمهوری اسلامی نشان داده که آزادی، برابری، شادی، رفاه، استثمار نشدن، سرکوب نشدن، بهداشت، خلاصی فرهنگی با حاکمیت جمهوری اسلامی، چه سپاه و سبز و چه بنفش آن، در تناقض است. باید در مقابل حاکم کردن استیصال و انتظار بر فضای جامعه، علیه تحمیل اختناق اسلامی در محل کار و زندگی، علیه حمله بیشتر به سطح معیشت مردم ایستاد. حزب حکمتیست همه فعالین کارگری، همه فعالین کمونیست، همه زنان و جوانان آزادیخواه و برابری طلب را به مقابله با این افاق و بستن سدی در مقابل آن فرامیخواند. حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی) ۲۸ آبان ۱۳۹۳ - ۱۹ نوامبر ۲۰۱۴

## گوتنبرگ جای نمایندگان خلخالی ها نیست

در حاشیه جلسه حشمت رئیسی

در جلسه ای که برای حشمت رئیسی ترتیب داده شده بود شرکت کردند. با شروع جلسه محمد فتاحی از رهبری حزب حکمتیست به نمایندگی از آزادیخواهانی که در جلسه حضور داشتند اعلام کرد که قبل از شروع سخنرانی باید جواب اتهامات و تبلیغات وزارت اطلاعات از طرف حشمت رئیسی را داد. طرح این مسئله با استقبال بخشی زیادی از شرکت کنندگان روبرو شد. برگزار کنندگان جلسه به مخالفت با مسئله پرداخته و تلاش کردند جلسه را ادامه دهند اما فضای متشنج جلسه و اعتراض فعالین سیاسی دیگر مانع شد. اعتراض به حشمت رئیسی چنان بالا گرفت که برگزار کنندگان به دامن پلیس شدند. تعدادی از شرکت کنندگان در اعتراض به همراه ما جلسه را ترک کردند و حشمت رئیسی در جمع راست ترین عناصر طرفدار رژیم جلسه خود را برگزار کرد. تشکیلات گوتنبرگ حزب حکمتیست (خط رسمی) اعلام میکند که اجازه فعالیت عناصر جمهوری اسلامی، اجازه پاپوشدوزی، پرونده سازی های وزارت اطلاعات را به هیچ جریان و عنصری نخواهد داد و در منزوی، طرد و افشا کردن عناصری مانند حشمت رئیسی دست همه فعالین سیاسی و مردم آزادیخواه در خارج کشور را می فشارد.

تشکیلات گوتنبرگ حزب حکمتیست (خط رسمی) ۲۳ نوامبر ۲۰۱۴

امروز کیهان شریعتمداری و وزارت اطلاعات و لمپن ترین باندهای درون حکومتی از تکرار آنها ابا دارند.

حزب حکمتیست پیش تر در مورد چنین تبلیغات کثیف و پرونده سازی ها به حشمت رئیسی هشدار داده بود. هشدار داده بودیم که در دفاع از مبارزات مردم و طبقه کارگر در ایران علیه جمهوری اسلامی و یاران حشمت رئیسی، در دفاع از اپوزیسیون چپ و کمونیست، که با سربرافراشته در راس جنگی عظیم و توده ای علیه جمهوری اسلامی ایران بوده ایم، خواهیم ایستاد. گفته بودیم علیه لجن مال کردن تاریخ مبارزه برای آزادی و برابری توسط انقلابیون و کمونیست ها، خواهیم ایستاد و اجازه تکرار پرونده سازیهای وزارت اطلاعات علیه اپوزیسیون جمهوری اسلامی را نخواهیم داد. ما به حشمت رئیسی هشدار داده بودیم.

روز شنبه ۲۲ نوامبر فعالین حزب حکمتیست به همراه فعالین سیاسی دیگر در شهر گوتنبرگ سوئد

حشمت رئیسی از رهبران سابق حزب توده ایران و اخیرا از فعالین جناح راست سلطنت طلبان در جریان مصاحبه های متعددی که با میدیای راست خارج کشور داشته، اتهامات متعددی به کمونیست ها بسته است. دشمنی کور این شخص با کمونیست ها او را به شخصیت محبوب میدیای راست ترین ناسیونالیست های راست در اپوزیسیون خارج کشور به یکی از عناصر منفور برای صف آزادیخواهی تبدیل کرده است.

وی در آخرین مصاحبه خود با یکی از رادیوهای دست راستی فارسی زبان گوتنبرگ سوئد به سیاق حزب توده به تکرار پرونده سازی مالی و جاسوسی وزارت اطلاعات علیه کمونیستها در کردستان دست زده و در کمال بیشرمی اتهامات ردیالانه قاتلین مردم در کردستان چمرانها و خلخالی ها را در سالهای ۵۸ مبنی بر اینکه کمونیست ها در کردستان سر و گوش مردم و سربازان را بریده اند و از آن تسبیح ساخته اند، برای صدام حسین جاسوسی کرده اند را تکرار کرد. تبلیغاتی که حتی

مرکز بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

پاسدار و پلیس کار می کند، یکی در هیات قاضی و قانون و عده ای هم در نقش متفکر و روشنفکر. بر شانه های سرکوب "داب"، امروز در دانشگاه های ایران، از انجمن اسلامی تا بسیج دانشجویی، از زیبا کلام ها تا متقی ها و شکوری رادها، در رکاب دستگاه تحمیق و سرکوب سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی، به "بحث و اقتناع" مشغول اند، یکی پس از دیگری تابلوهای بالارفته نجات میهن سرمایه در دانشگاه ها شده اند و از فرط کثرت دیگر حتی به خاطر سپردن و شمردن همه آنها نیز میسر نیست. "جمهوری ایرانی - اسلامی"، "جمهوری اعتدال و تدبیر"، "ناسیونالیسم اسلامی"، "جمهوری اعتدال و تدبیر"، "ناسیونالیسم اسلامی"، "ناسیونالیسم پارلمانی"، "جمهوری اسلامی با روحانی بدون انصار حزب الله" و ... اینها عناوینی اند که همه به یک اوضاع واحد رجوع می کنند. سرکوب کمونیسم و آرمان برابری طلبی در جامعه و همزمان نجات و توسعه سرمایه و دوام و بقای توحش بورژوازی در ایران؛ پیش شرط بر افراشتن مجدد پرچم آزادی و برابری در ۱۶ آذر امسال مرور تجربه "داب"، و به تبع آن سازمان دادن دفاع از خود با ابزارها، شعارها و مطالباتی جدا از اجناس اصلاح طلبانه، لیبرالی، رفرمیستی، ناسیونالیستی، سبز و اسلامی است. برای عقب راندن پرچم های موجود باید دانشجویان را در سطح وسیع حول خواسته های رادیکال و چپ بسیج کرد. نباید اجازه داد که تاکتیک جنبش های بورژوازی بار دیگر مبارزات و اعتراضات دانشجویی را به عقب نشینی، تسلیم و سازش با جمهوری اسلامی بکشاند. استراتژی این جنبش ها، عقیم کردن تحرک رادیکال و مستقل دانشجویان در سطح سراسری است. نباید گذاشت سازماندهی مستقل و ابتکارعمل را از دست اعتراضات دانشجویی در آورند. محک پیشروی چیزی نیست جز نقد و ایزوله کردن این افق ها؛ سلاح نقد در عین حال باید بتواند تخته پرشی به سمت سازمان دادن و اجتماعی شدن مطالبات و اعتراضات جاری در محیط های دانشجویی باشد. به بیان دیگر، ما به ازای عملی هر درجه پیشروی در نقد جریانات موجود، باید در قدرت کار جمعی، سازماندهی و تشکل در محل معنی گردد. شاید پر بیراه نباشد اگر بگوییم مهمترین درس برای کمونیست ها از تحولات چند سال گذشته این است که اپوزیسیون بورژوازی چقدر خود آگاه، چقدر ضد کمونیست، چقدر ضد آزادی، چقدر ضد کارگر و چقدر ضد انقلابی است. همراه شدن کل اپوزیسیون بورژوازی در این چند ساله بعد از سرکوب "داب" با جمهوری اسلامی و جناح های آن عمق وحدت طبقاتی این طیف ملون را به نمایش گذاشته است. اگر کسی می خواهد این فضای متعفن دود شود و محو شود باید ابتدا دست پرچم های بورژوازی را چه در بعد سراسری و چه در بعد محلی قطع کند؛ ابراز وجود کمونیسم دخیل و اجتماعی، نمایش اتحاد و تشکل در گوشه گوشه دانشگاه ها، موجودیت مادی و معنوی این افق ها را خمیر خواهد کرد.

خواست آزادی و برابری، نه به جنگ و نظامی کردن دانشگاه ها، آزادی کارگران زندانی و برگزاری ۸ مارس ها در دفاع از برابری زن و مرد، میدان فعالیت وسیع و اجتماعی "داب" و موضوع مبارزات تحت هدایت آن بود. در مقابل چشمان ناباور همه "داب" توانست هم خواسته های صنفی و هم خواسته های سیاسی را زیر یک چتر واحد گرد آورد و پوشش دهد. عمر "داب" کوتاه بود؛ با حمله دستگاه اطلاعات جمهوری اسلامی به دانشجویان آزادخواه و برابری طلب، محیط دانشگاه ها برای تحرک مجدد نهادهای وابسته به جناح های رژیم اسلامی، "بی خطر" و مناسب شدند. از آن زمان تا به امروز، تلاش برای حاکم کردن افق امید به بالایی ها و مذاکرات با آمریکا، افق ضدیت با کمونیسم و آرمان مساوات طلبی، افق ستم بر زنان و افق "انتظار" و ادامه ارتجاع است که در محیط های دانشجویی در دستور کارشان است. ناگهان، همه لیبرالها و اصلاح طلبان برای "کار" در چهارچوب قوانین از پیش تعریف شده نظام، به آرزوی عظمت وطن ایرانی - اسلامی در دانشگاه ها دوباره بار دادند و "معتدل" شدند. اگر "داب" سرکوب نمی شد محال بود که جدال و کشمکش سیاسی در دانشگاه ها و به تبع آن در جامعه ایران به درون جمهوری اسلامی بلغزد. محال بود بر سر سکولاریسم و جنبش جدایی مذهب از دولت حجاب کرد؛ محال بود جنبش رهایی زن در ایران را به گل و بته زهرا رهنوردها سنجاق کرد؛ محال بود "امید به تغییر" را در دالان های دولت "اعتدال و تدبیر" جستجو کرد؛ کل سرمایه داری ایران از پوزیسیون تا اپوزیسیون، از داخل تا خارج در یک تحول اساسی شریک بودند و هنوز هم هستند که: "باید همه چیز را از رادیکالیسم و حق زن تا آزادی های سیاسی معامله کرد بلکه بتوان مبارزه را در چهارچوب جمهوری اسلامی نگاه داشت؛" کل بورژوازی ایران و نماینده آن یعنی جمهوری اسلامی، خوب فهمیده است که در صورت رادیکالیزه شدن مبارزه در سطح جامعه، پای حق اعتصاب و تشکل و اعتراض کارگر، پای سکولاریسم و مطالبات پیشرو زنان به سیاست باز خواهد شد. بنابراین هجوم به "داب" در واقع، پیش درآمد حذف افق کمونیسم اجتماعی از صحنه سیاست ایران و همزمان چپاندن اعتراضات توده ای در قالب جنبش های بورژوازی بود. معلوم شد که پشت پرده دموکراسی خواهی دولت، نهادها و جناح بندی های آن در ایران، افق سود سرمایه، تحمیل اختناق و ستمکشی زن لم داده است. با مروری بر دستاوردهای "داب" و سرکوب وحشیانه آن می توان مشاهده کرد که تا امروز چه گند و کثافتی بر فضای دانشگاه ها سایه انداخته است. افق "انتظار" و "اعتدال" و همگام شدن با جمهوری اسلامی، که حرف زدن از آزادخواهی و مساوات طلبی را، آب ریختن در آسیاب دشمنان می داند. جهت حفظ استیلای این افق، برای بی خطر کردن جنبش کمونیستی و تحمیل عقب نشینی به جنبش رهایی زن، مجریان و نهادهای مختلفی به انجام وظیفه مشغولند. یکی در هیات

برخلاف مطالبات و مبارزات دانشجویان دهه ۵۰ شمسی که چیزی نبود بجز ملی گرایی "ضد امپریالیستی"، عموم خلقی و جهان سومی، اما رهبران و فعالین "داب"، مطالبات و افق سیاسی دانشجویان را زیر و رو کردند و در مقایسه با نسلهای گذشته، گامها به جلو برداشتند. اهمیت "داب" وقتی آشکار می شود که بیاد آوریم که قطب نمای این تشکل، نقد همه جانبه افق های بورژوازی در جامعه، از اصلاح طلبی و امید به غرب تا نقد ستم کشی زن و پادگانی کردن دانشگاه ها بود؛ بطوریکه این جهت گیری دانشگاه را از جولانگاه جریانات ناسیونالیست، رفرمیست و دو خردادی به یک سنگر قوی سوسیالیستی هرچند کوتاه مدت، تبدیل کرد. "داب" بطور واقعی آئینه یک کمونیسم اجتماعی بود و بدین خاطر، پژواک هم سرنوشتی دانشجوی رادیکال و سوسیالیست با جنبش کارگری و جنبش دفاع از حق زن بود. زمانی که جمهوری اسلامی در اوج تعرض خود به آزادی های سیاسی، به معیشت کارگر و در اوج قافیه بافی های هسته ای - ناسیونالیستی بود، زمانی که کل اردوی اپوزیسیون بورژوازی ایران در نگرانی از خدشه دار شدن تمامیت ارضی، چشم به انتظار حمله نظامی آمریکا دوخته بودند، زمانیکه دانشگاه ها عملاً از سیطره افسردگی سیاسی تحکیم وحدت و انجمن های اسلامی و جریانات قومپرست خالی شد، جریانی پا به میدان گذاشت که افق خود را از آزادی و برابری انسان ها در برخوردار از نعمات زندگی و از جنبش بازگرداندن اختیار به انسان می گرفت. "داب" ثابت کرد که میتوان افق سازش با جمهوری اسلامی، افق آزادی قسطنطنیه، افق طبقات دارا، افق اصلاح طلبان و تحکیم وحدتی ها و افق فرودستی زن در دانشگاه ها را پس زد و بر آن غلبه کرد و در عین حال، مبارزه با کل خرافه تزریق شده به جامعه را سازمان داد. اینکه میتوان به خفت جمهوری اسلامی تن نداد؛ میتوان مبهوت تبلیغات ناسیونالیستی نشد؛ میتوان دستگاه سرکوب و آپارتاید جنسی را از دانشگاه جارو کرد و به این اعتبار میتوان به قدرت خود ایمان داشت و بدون عصای جنبش های بورژوازی روی پاهای خود ایستاد!

فعالین "داب"، بر خلاف چپ های شبانه پخش کن، مخفی نبودند؛ چهره های علنی افقی بودند که به حکم تلاشهای علنی سازمان گرانه و تئوریک خود، به رهبران محبوب و شناخته شده مبارزات دانشجویی تبدیل شدند. فعالیت علنی زیر عباي توحش جمهوری اسلامی البته که هزینه داشت: تحمل زندان و شکنجه، ارباب خانواده های آنها، خطر مرگ و بعضاً اجبار به قبول تبعید را رهبران و فعالین "داب" با جسارت تمام تحمل کردند تا افق کمونیستی در تاریخ ایران جا پای باز کند. "داب" توانست به نیروی خود، شکلی از مبارزه و قالبی از تشکل را بدست دهد که هم خواسته های صنفی و هم مطالبات سیاسی، هر دو را در بر گیرد. از مبارزه برای امکانات و آسایش در خوابگاه ها و سلف سرویس های دانشجویی تا

## اطلاعیه دفتر ...

آنها در این مدت و به بهانه عروج داعش در اشاعه قوم پرستی، ضدیت با مردم منتسب به عرب، ایجاد نفاق و کینه و دشمنی میان ساکنین این منطقه سنگ تمام گذاشتند که امروز نتایج ضدانسانی آن را میبینیم. زمانی که دستگاه امنیتی آنها در اطلاعیه رسمی خود دلیل انفجار را ورود بی رویه غیر کرد زبانان به منطقه اقلیم کردستان میدانند، زمانی که عضو پارلمان جسارت میکند و عامل انفجار را مردم منتسب به عرب میدانند، لابد عناصر فالانژ و قداره بند آنها نیز جسارت میکند که در ادامه همین عکس العمل ها در خیابانها راست راست قدم بزنند و علیه بخشی از ساکنان به جرم عرب زبان بودن دست به تعرض فیزیکی بزنند.

جامعه عراق بیش از دو دهه است زیر سایه حمله آمریکا و متحدین آن و در نتیجه اشغال و کشتار و جنایات وسیع آنها علیه مردم این کشور، به میدان رشد و قدرتگیری باندهای مسلح و جنایتکار مذهبی و قومی تبدیل شده است. در این پروسه دهها هزار انسان در عملیات تروریستی و بمب گذاری و انتحاری در بغداد و بقیه شهرهای عراق جان خود را از دست داده اند. همه تروریستها و قاتلین و جنایتکاران فوق به باندهای در قدرت و دولتهای مختلف و جنایتکار از آمریکا تا عربستان و ترکیه و ایران و تا دولت حاکم در عراق وصل اند. دولت اقلیم و بارزانی و طالبانی به عنوان متحدین گوش به فرمان دولت آمریکا و ناتو و بخشی از حاکمیت در عراق در این جنایات نه تنها بیگناه نیستند که در کنار دولت آمریکا و ناتو قرار داشته اند.

عروج داعش که در دامن دولت آمریکا و متحدین او در منطقه تولد یافت، بزرگ شد و آماده جنایت و توحش شد، امروز کنترل آن از دست آمریکا و ناتو خارج شده و به کمک متحدین حکومت اقلیم

و دولتهای جنایتکار منطقه از جمله قطر و عربستان و ترکیه، موی دماغ مردم بیدفاع و زن و مرد و کودک آن جامعه شده است. دولت اقلیم کردستان و شخص بارزانی در میدان دادن و بند و بست با داعش، در همکاری کردن با آنها و با ترکیه، در دسیسه چیدن و نقشه کشیدن برای تعرض داعش و جنایات در شنگال و بقیه شهرهای عراق و حتی در کوبانی مستقیم نقش داشته است.

اگر داعش به نام خدا و اسلام محمدی از نوع سنی آن دست به جنایات میزند و زنان و دختران را به عنوان بردگان دین و خدا میفروشد، اگر آنها با اتکا به عقب ماندگی و تعصبات کور اسلامی، نیروی جنگ و جنایت خود را از میان عقب مانده ترین انسانها تامین میکنند، دولت اقلیم و روشنفکران ناسیونالیست و قوم پرست نیز، با تحریک احساسات، با پروپاگاندا ناسیونالیستی و نژاد پرستانه، با بسیج عقب مانده ترین احساسات قومی و وطن پرستانه، زمینه جنگهای قومی و نژاد پرستانه را مهیا میکنند. چنین تحریکاتی ابزاری برای حکومت اقلیم علیه احساس همسرنوشتی طبقه کارگر و مردم محروم، علیه همبستگی آنها و برای بسیج آنها در خدمت دولت اقلیم و حفظ حاکمیت آنها بر طبقه کارگر در کردستان و محرومان آن جامعه است.

کارگران، زنان و جوانان کردستان عراق، کمونیستها و آزادیخواهان در این جامعه نباید اجازه دهند دولت اقلیم و فرقه های قومی و ناسیونالیستی، به نام آنها علیه کارگران و مردم محروم عرب زبان دست به تحریکات نژاد پرستانه و توحش بزنند. کارگران کردستان هیچ منفعت جداگانه ای از هم سرنوشتان خود در بقیه شهرهای عراق ندارند. هر نوع تحریک قومی و مذهبی طبقات حاکم، اساسا علیه کل طبقه کارگر در عراق است.

نبايد اجازه داد دولت اقلیم و جریانات و فرقه های نژاد پرست، زندگی دهها هزار انسان را به جرم تکلم با زبان دیگر، به جرم عقاید دینی و مذهبی دیگر مورد تعرض قرار دهند. حمله به دهها هزار انسانی که از ترس داعش شهر و روستاهای خود را ترک کرده و آواره شده اند، دهها هزار کارگری که خانه و کاشانه خود را رها کرده اند و برای امرار معاش روزانه در حکومت اقلیم جان میکنند و سرمایه تولید میکنند، حمله به کل طبقه کارگر در عراق است و باید محکوم شود. طبقه کارگر و زنان و مردان آزادیخواه باید با هوشیاری کامل، جریانات فرقه ای و نژاد پرست را از هر سو که باشد، افسار زنند. نباید تحریکات باندهای قومی و نژاد پرست را دست کم گرفت و منتظر بزرگ شدن و تهدیدات بیشتر آنها شد. جامعه عراق زیر سایه سیاست دول غربی، زیر سایه دولت قومی - مذهبی حاکم و تبلیغات ارتجاعی صدها جریان و گروه مختلف در این جامعه، زمینه بزرگترین جنگهای مذهبی و قومی را فراهم کرده اند. مقابله با چنین تحریکاتی که داعش تنها یکی از میوه های آن است، فوری ترین وظیفه هر انسان و جریان مسئولی است که نگران آینده سرنوشت میلیونها انسان در این جامعه است.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)  
۲ آذر ۱۳۹۳ - ۲۳ نوامبر ۲۰۱۴

رادینا  
Radio "Neena"

رادینا نینا هر شب ساعت ۸:۳۰ تا ۹ شب به وقت تهران از طریق ماهواره هاتبرد پخش میشود. رادیو نینا را گوش دهید و آنرا به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید.

[www.radioneena.com](http://www.radioneena.com)

Satellite: Eutelsat HOTBIRD 13A  
13°  
Frequency: 12597  
POL: V  
FEC: 3/4  
Symbole rate: 27599  
Audio PID: 2130

www.hekmatist.com

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

استثمار و تبعیض و بی حقوقی در ابعادی اینچنین عظیم، و در اشکالی اینچنین عیان، بدون تسلیم و رضایت توده وسیع خود استثمار شوندگان و بدون موجه قلمداد شدن این مناسبات در اذهان خود قربانیانش سر با باقی نمیماند. توجیه کردن این وضعیت، ابدی و ازلی و طبیعی قلمداد کردن آن و ترساندن و برحذر داشتن فرودستان جامعه از شورش علیه این مناسبات، وظیفه روبنای فکری و فرهنگی و اخلاقی در این جامعه است. زرادخانه فرهنگی و اخلاقی بورژوازی علیه آزادی و رهایی انسان عظیم و خیره کننده است. بخشی از این ابزارها از اعصار کهن به ارث رسیده اند، اما مطابق نیاز جامعه بورژوازی نوسازی و بازسازی شده اند.

ادیان و مذاهب رنگارنگ، عواطف و تعصبات اخلاقی جاهلانه، قوم پرستی، نژادپرستی، مردسالاری، همه و همه حربه های فکری و فرهنگی طبقات حاکمه در طول تاریخ برای خفه کردن و سربریزر نگاهداشتن توده کارکن جامعه بوده اند. همه اینها در اشکال نوین و ظرفیتهای تازه، در عصر ما در خدمت مصون داشتن مالکیت و حاکمیت بورژوازی از تهدید آگاهی و تعقل و نقد طبقه کارگر و مردم تحت استثمار قرار دارند. ...

فرهنگ، ایدئولوژی و اخلاق

(یک دنیای بهتر برنامه حزب حکمتیست - خط رسمی)